



بدرقه باشکوه سرداران و دانشمندان شهید با حضور مردم و مسئولین برگزار شد

وداع با قهرمانان مقاومت



صفحه ۲

سخن نخست

به قلم: محسن پاک آیین



نقش رهبر انقلاب در دفع تجاوز دشمن

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین پیام تصویری، تبریکات سه گانه خود را به ملت ایران ابلاغ کردند و جا دارد ملت ایران نیز بخاطر داشتن چنین رهبری، به خود تبریک گوید.

اگرچه عوامل متعددی همچون شجاعت، قاطعیت وهوشمندی نیروهای مسلح در سرکوب دشمنان متجاوز، وحدت و انسجام ملی در حمایت از نیروهای مسلح و تحرکات دیپلماتیک در عرصه جهانی،نقش موثر و تعیین کننده در پیروزی جمهوری اسلامی ایران داشتند اما بالاترید نقش رهبر معظم انقلاب در مدیریت این بحران تحمیلی، اصلی ترین عامل شکست دشمن و دفع تجاوز بود.

در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ نقاط مختلف ایران از جمله تهران مورد تجاوز رژیم صهیونی قرار گرفت و حملات موشکی و پهپادی منجر به شهادت جمعی از فرماندهان اصلی،دانشمندان هسته ای و مردم غیرنظامی شد.

این شرایط موجب ایجاد غافلگیری امنیتی و اجتماعی شد و ضرورت داشت سریعاً مدیریت شده و اضطراب عمومی تبدیل به بسیج ملی برای دفاع از کشور گردد.

ادامه در صفحه ۲

به قلم: محمد مهدی سیدناصری



۲. صدایوسیماي جمهوری اسلامی ایران، لازم است تولید برنامه‌های کودک‌محور برای تاب‌آوری روانی را در اولویت قرار دهد.

۳. نهادهای مذهبی و فرهنگی، باید در خط مقدم ایجاد آرامش، تقویت ایمان و بازسازی امید باشند.

۴. انجمن‌های علمی روان‌شناسی کودک و حقوق کودک باید پژوهش‌های میدانی و پیشنهادهای مداخله‌گرایانه ارائه دهند.

کودک ایرانی، امروز نه‌فقط وارث یک خاک، که وارث یک تاریخ و مسئول آینده‌ای است که باید آن را بسازد. در جنگ ۱۲ روزه، ما پیروز شدیم؛ اما اگر سلامت روان کودکان‌مان را نسازیم، این پیروزی بر ویرانه‌های نسلی خواهد بود که دیگر امید، امنیت و تعلق را نمی‌شناسد. سلامت روان کودک، نه یک دغدغه لوکس، که یک مؤلفه راهبردی در امنیت ملی است. در عصر جنگ‌های شناختی، باید از روان کودک همان‌قدر مراقبت کرد که از مرز. و اگر امروز، با آگاهی، محبت، آموزش و وطن‌دوستی، روان کودکان‌مان را بسازیم، فردای ایران، نه فقط آباد، که آرام خواهد بود.

۴. القای حس غرور ملی و امید؛ او را با قدرت دفاعی کشور، مقاومت مردم، نقش دانشمندان ایرانی و تاریخ غرورآفرین وطن آشنا کنید. وطن‌دوستی، تکیه‌گاه روان است.

۵. دوری از نمایش اخبار خشونت‌آمیز: تماشای اخبار انفجار، موشک، و خون برای ذهن کودک بسیار آسیب‌زاست. از منابع کودک‌محور استفاده کنید.

۶. بازی، هنر و داستان‌درمانی: از نقاشی، نمایش، موسیقی و داستان برای تخلیه هیجانات و بازسازی روان کودک استفاده کنید. هنر، ابزار صلح روانی است.
۷. استفاده از الگوهای فرهنگی و دینی: داستان‌هایی از صبر، شجاعت و ایمان (همچون داستان‌های شهدای نوجوان، یا قصه حضرت زینب و امام حسین) برای القای مفهوم «مقاومت معنوی»سودمندند.

توصیه به نهادهای مسئول

۱. وزارت آموزش‌وپرورش، باید برنامه ویژه «روان‌آموز در بحران» را طراحی و اجرا کند؛ با همکاری روان‌شناسان، معلمان و والدین.

تلاش کردند نه فقط زیرساخت‌ها، که ذهن مردم و مخصوصاً کودکان را درهم بشکنند. اینجاست که نقش والدین، معلمان، رسانه‌های رسمی و سیاست‌گذاران آموزشی، به‌عنوان مدافعان روان نسل آینده پررنگ می‌شود. سکوت، انکار یا بی‌اعتنایی، تنها راه را برای فروپاشی روان کودک هموارتر می‌کند.

راهکارهای علمی، فرهنگی و ملی برای حفظ سلامت روان کودک در جنگ

۱. توضیح واقعیت، متناسب با سن کودک: روایت‌های کودک‌پسند از واقعیت را جایگزین اخبار خشونت‌آمیز کنید. سکوت، اضطراب می‌آفرند. واقعیت را با واژه‌های ساده اما دقیق، به زبان کودکانه توضیح دهید.

۲. ایجاد «روال روزانه» و حس ثبات:کودک به ساختار نیاز دارد. در دوران بحران، حفظ نظم خواب، غذا، بازی و مطالعه، به او حس کنترل و امنیت می‌دهد.

۳. همدلی فعال و شنیدن بی‌قضاوت: بگذارید از ترس‌ها، سوال‌ها و رویاهایش بگوید. نشنیدن، منجر به سرکوب عاطفی و بروز اختلالات رفتاری در آینده خواهد شد.

که علاوه بر گلوله و انفجار، با تصاویر، اخبار، شایعات، و موج‌های احساسی، ذهن و روان کودک را هدف قرار می‌دهند. طبق گزارش سال ۲۰۲۳ سازمان جهانی بهداشت (WHO)، کودکانی که در طول جنگ در معرض صداهای آژیر، اخبار تهاجمی، و تنش‌های والدین قرار می‌گیرند، دچار علائمی نظیر:

- اختلال خواب؛
- بی‌قراری و گریه‌های ناگهانی؛
- کاهش تمرکز؛
- کابوس‌های شبانه؛
- اضطراب جدایی؛
- ترس از مرگ خود یا والدین، می‌شوند. متأسفانه، بسیاری از این نشانه‌ها نادیده گرفته می‌شود یا به اشتباه، «لوس شدن» تلقی می‌گردد، حال آنکه این‌ها نشانه‌هایی از یک روان در حال فروپاشی است.

جنگ‌اخیر جمهوری اسلامی ایران‌بارژیم‌اشغالگر صهیونیستی، نه‌تنها فرصت غرور ملی، که آزمونی دشوار برای انسجام روانی جامعه بود. در این جنگ، رسانه‌های معاند با بمباران اطلاعاتی،

سلامت روان کودک، نه یک دغدغه لوکس، که یک مؤلفه راهبردی در امنیت ملی است. در عصر جنگ‌های شناختی، باید از روان کودک همان‌قدر مراقبت کرد که از مرز.

در روزهایی که آسمان ایران پر از آژیر بود و خانه‌ها لیریز از اضطراب، چشم‌های بی‌پناه بسیاری، نه به رسانه‌ها، بلکه به چهره والدین خیره مانده بودند تا معنای جنگ را از چروک‌های صورت آن‌ها بخوانند. جنگ ۱۲روزه ایران و رژیم صهیونیستی، صرفاً یک نبرد نظامی نبود؛ این جنگ، مرزهای جدیدی از جنگ روانی، رسانه‌ای و اضطراب اجتماعی را تعریف کرد و کودکان ایرانی، در سکوت و بی‌پناهی، به خط مقدم این میدان نامرئی رانده شدند. در چنین برزنگاه‌هایی، اگر سلامت روان کودک حفظ نشود، نه‌تنها یک آسیب شخصی، که یک زخم ملی پدید می‌آید؛ چرا که روان فروپاشیده امروز، جامعه بی‌ثبات و بی‌هویت فرداست.

مطالعات جهانی در حوزه سلامت روان کودک در بحران‌ها نشان می‌دهد که کودکان، برخلاف ظاهر خاموششان، آسیب‌پذیرترین گروه در مواجهه با جنگ‌های نوین‌اند؛ جنگ‌هایی

یادداشت

درس‌های جنگ ۱۳روزه

در هفته های گذشته شاهد بودیم که چگونه رژیم اسرائیل روند مذاکرات مشروع و صلح طلبانه مقامات کشورمان با آمریکا را به هم زد و از نگرانی اینکه توافقات دیپلماتیک نتواند منافع و اهدافش را تأمین کند، دست به حمله ای تجاوزگرانه به خاک کشورمان زد.

این رژیم که در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ را متقاعد کرده بود که از برجام خارج شود، در این حمله نیز وی را مجاب نمود تا نقاط ضعف اسرائیل را پوشش دهد و با تجهیزات نظامی برتر خود، تأسیسات هسته ای زیر زمینی ایران را هدف قرار دهد.

خوشبختانه، جنگ ۱۲ روزه اخیر با هماهنگی و مدیریت ستودنی دستگاه دیپلماسی و مقامات نظامی کشور به یک درگیری تمام عیار و جنگ فرسایشی تبدیل نشد و گزارشات فوق مجرمانه ای که سی ان ان به آنها دسمت یافته و منتشر کرده نشان می دهد حمله آمریکا نیز تأثیر مهمی بر تأسیسات و سانتریفویژهای ایران نداشته و به هیچ وجه قدرت هسته ای ایران را نابود نکرده است، با این حال، به نظر می رسد تجربه تلخ دو هفته گذشته حامل درس‌ها و پیام‌های متعددی برای مقامات و تصمیم گیران ایران در ابعاد مختلف بود و لازم است سیاستگذاران، با نگاهی واقع‌بینانه به بررسی نقاط قوت و ضعف موجود بپردازند و راهبردهای آینده کشور را با در نظر گرفتن این تجربیات تدوین کنند.

نخستین درس در این حوزه، در بعد نظامی است که لزوم بازنگری در راهبردهای بازدارندگی فعال را ایجاب می کند. هر چند حملات موشکی دقیق ایران به سرزمینهای اشغالی که در پاسخ به حملات اسرائیل به کشورمان انجام شد، قابل تقدیر بود و نه تنها ایرانیان، که همه ملت‌های منطقه را نیز شگفت زده و شاد کرد، اما با حمله های مکرر رژیم اسرائیل به مراکز مختلف نظامی، مسکونی

و برخی زیر ساختهای انرژی کشور، ضرورت ایجاد لایه های دفاعی عمیق‌تر و متنوع‌تر برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و مراکز حساس کشور بیش از پیش نمایان شد.

بنابراین، از این نکته نباید غفلت کرد که صرف داشتن توانایی حمله کافی نیست؛ بلکه باید توانایی دفاع ضد موشکی و مراقبت از حریم هوایی کشور نیز ارتقا یابد. از سوی دیگر در حوزه آفندی نیز، سرمایه گذاری در حوزه سیستمهای رادار گریز و غلبه بر دفاع دشمن نیز باید مد نظر قرار بگیرد. همچنین با توجه به جنگ ترکیبی که دشمن بر علیه کشورمان به کار گرفت، به نظر می رسد ایران نیز برای هماوردی با جنگهای مدرن، باید توجه بیشتری به حوزه های جنگ الکترونیک، سایبری، هوش مصنوعی، ریز پرندמה و پهپادهای تهاجمی پیشرفته نشان دهد.

نکته دیگر، مشخص شدن همکاری برخی عناصر داخلی با اسرائیل بود که کار را برای این رژیم غاصب آسانتر کرد؛ اینکه چرا برخی از افراد حاضر شدند با خیانت به کشور خود، با دشمن همراهی و همکاری کنند، از ابعاد مختلفی قابل تحلیل و ارزیابی است؛ کاهش سرمایه اجتماعی نظام سیاسی در سالهای اخیر، افزایش مشکلات اقتصادی و جذاب بودن پیشنهادات مالی اسرائیل، عدم تعلق خاطر برخی از مهاجرین خارجی به ایرانی که به آنها پناه داده است و عوامل بسیار دیگر در این مسأله دخیل بوده اند. از این رو لازم است مقامات امنیتی – اطلاعاتی کشور ضمن دوری از اقدامات هیجانی و شتاب برای اعدام خائنان، ابتدا به شناسایی دلایل و ریشه های این اقدام عجیب و ضد وطن پرستانه آنها بپردازند ویا تهیه گزارشی دقیق و منصفانه برای نهادهای ذی ربط، توصیه هایی برای جلوگیری از این تجربه تلخ ارائه دهند.



به‌قلم: محمد مهدی مظاهری / استاد دانشگاه

بر پایه منافع مشترک و کاهش سوءتفاهم‌ها سیاست مفید و مؤثری بوده که باید تداوم یابد و تقویت شود. از سوی دیگر، حمایت آشکار و قاطع برخی کشورها از رژیم صهیونیستی، ضرورت تقویت دیپلماسی فعال با سایر قدرت‌ها، به ویژه کشورهای غیرمتعهد و نوظهور را گوشزد می‌کند تا ایران بتواند در موازنه قدرت‌های جهانی، جایگاه خود را مستحکم‌تر کند. درس مهم در این حوزه، لزوم استفاده هوشمندانه از ابزارهای دیپلماسی، تقویت لابی‌گری و روشنگری در سطح بین‌المللی برای تبیین موضوع ایران و خنثی کردن روایت‌های نادرست است.

در پایان باید گفت این جنگ ۱۲ روزه، صرفاً یک رویارویی نظامی نبود؛ بلکه آیینی‌ای تمام‌نما از چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گوناگون بود. هر چند با توجه به رویه رژیم رایج اسرائیل، آتش بس موجود شکننده و ناپایدار به نظر می‌رسد و لازم است مقامات کشورمان ضمن تجدید قوا در ابعاد مختلف به فکر مدیریت کشور در شرایط گوناگون باشند، اما در عین حال، از درس‌های این تهاجم نیز نباید غفلت کرد.

این درس‌ها از ضرورت تقویت توان نظامی و بازدارندگی مؤثر گرفته تا مصون‌سازی اقتصادی، افزایش سرمایه اجتماعی و اتخاذ دیپلماسی فعال و هوشمندانه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را شامل می‌شود. عبور موفق از این بحران‌ها و تضمین امنیت و پیشرفت کشور در آینده، مستلزم نگاهی واقع‌بینانه، اتخاذ راهبردهای جامع و همه‌جانبه و تقویت همکاری ملی است. این رخداد، بار دیگر به ما یادآوری کرد که آمادگی برای مواجهه با چالش‌های پیش‌بینی‌نشده، نیازمند یک رویکرد کلان و متوازن در تمامی ابعاد حکمرانی است.

مجری در گزارش لحظه به لحظه آن یکی دیگر از شگفتی های دوران جنگ بود؛ هر چند مردم ایران در سالهای اخیر دل خوشی از صدا و سیما نداشته اند و آن را رسانه‌ای بی طرف که صدای همه مردم ایران باشد، نمی دیدند، اما بعد از هدف قرار گرفتن ساختمان آن، بسیاری از همین مردم و فعالان سیاسی به آن واکنش منفی نشان دادند و فیلم شجاعت مجری صدا و سیما را با افتخار بارها و بارها در فضای مجازی به اشتراک گذاشتند. این توجه و حمایت مردمی یک فرصت طلایی برای صدا و سیما است تا با تغییر سیاستهای تندرانه و رویکرد یک طرفه خود، پاسخ حمایتهای مردمی را بدهد و نشان دهد اگر همه ایران می تواند برای صدا و سیمای هدف قرار گرفته غمگین باشد، این رسانه نیز می تواند دغدغه همه ملت ایران را داشته باشد و به تحلیل گران و کارشناسانی از طبقهای مختلف سیاسی اجازه اظهار نظر بدهد.

همچنین این رسانه که در روزهای جنگ زنان و دختران کم حجاب پرچم به دست را مکرراً نشان می داد تا به دنیا ثابت کند که این افراد نیز حامی نظام سیاسی هستند، باید پس از این نیز نگاهی رحمانی و پر ملاحظت تر به آنها داشته باشد و با بازگشت اوضاع به شرایط عادی، مجدداً آنها را از قاب تلویزیون حذف نکند. جوانان ایرانی با هر نگرش و اعتقادی، فرزندان این سرزمین هستند و لازم است صدای آنها شنیده و به مطالباتشان توجه شود.

در عرصه بین‌الملل نیز، واکنش‌ها به حمله رژیم اسرائیل به ایران، حائز اهمیت بود. رویکرد کشورهای عرب و مسلمان منطقه که همگی این تهاجم به کشورمان را محکوم کردند، نشان می دهد رویکرد اخیر سیاست خارجی کشور در تقویت روابط با همسایگان